جاسوسان در برابر نبرد بزرگ

■ نوشته: دان راویو - یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری | ۱۳۳

ایالات متحده آمریکا و تقریباً تمام کشورهای دیگر، عموماً فوت و فن امنیتی هوایی اسرائیل، شیوه‌ها و آمادگی لازم را برای مقابله با بدترین وضعیتی که ممکن بود پیش بیاید نادیده گرفتند. این مسئله عمدتاً به خاطر دلایل بودجه‌ای بود. فقط بعد از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ آنها تصمیم گرفتند که برای حفاظت از پروازهای هواپیماهای مسافری خود، از «شین‌بت» تبعیت کنند.

با این حال تدابیر امنیتی اسرائیل در حد کمال نبود. اقدامات آنها شبیه بستن درهای طویله بعد از فرار اسب‌ها بود. واقعیت این است که شیوه‌های اسرائیلی، عموماً جنبه واکنشی نسبت به حمله‌هایی دارند که تروریست‌ها می‌کنند. غیرممکن است بتوان پیش‌بینی کرد که کجا، در چه موقع و با چه خشونتی دشمنان مصمم هستند با زدن ضربه بعدی، جهان را تکان دهند.

فصل دهم

*** بیش از انتقام**

در سال ۱۹۶۸ «میر آمیت» از ریاست موساد برداشته شد. نخست‌وزیر «لوی اشکول» قصد رنجاندنش را نداشت و او هم دلخور نشد. تمام کسانی که در این انتصابات دخیل بودند، توافق داشتند که ۱۱ سال دوران تصدی «الیسارهارل» که طی آن وی با قدرتی بیش از حد معمول سازمان را اداره کرد ـ بسیار طولانی بود. دوره پنج ساله ریاست «آمیت» که مشخصه آن نوسازی چشمگیر موساد بود افتخارآفرین و کافی به نظر می‌رسید. همانگونه که در آن زمان مرسوم بود نام رئیس جدید برای اطلاع عموم اعلام نشد اما او «زوی زمیر»[1] بود. یک ژنرال ارتش جایگزین ژنرالی دیگر می‌شد. رئیس جدید موساد مرد ملایمی بود که همیشه مایل بود که پرکار باشد. خوب یا بد او در دوران تصدی مشاغل نظامی‌اش هیچ‌گاه خبرساز نبود. هرچند به عنوان رئیس سازمان جاسوسی خارجی اسرائیل او ناظر رویدادهایی شد که به‌گونه‌ای باور نکردنی هیجان‌انگیز بودند. «ازمیر» ناگریز شد که جنگ پنهانی کشورش را بر علیه دشمنان طوری تنظیم کند که اثری ماندگار به جای گذارد، حتی بر جنگی پنهانی که موساد بعدها با ایران شروع کرد.

چرا شخصی این چنین کسل‌کننده برای تصدی یکی از مهمترین مشاغل اسرائیل انتخاب شد؟ زیرا رهبران حزب کارگر «زمیر» را «یکی از خودشان» می‌دانستند. مانند بسیاری از سیاستمداران کارگر او در سال ۱۹۲۵ در لهستان متولد شده بود. او در سن هفت ماهگی در آغوش پدر و مادرش به فلسطین آمد و نام خانوادگی آنها در آن زمان «زارزوسکی»[2] بود. «زمیر» در سن ۱۸ سالگی به جنگجویان «پالماخ»[3] پیوست، در جنگ سال ۱۹۴۸ برای استقلال شرکت کرد و تصمیم گرفت که در نیروهای دفاعی اسرائیل بماند. او به درجه سرلشگری ارتقاء یافت و مسئولیت یگان جنوب به وی محول شد و بعداً به عنوان وابستهٔ نظامی در سفارت اسرائیل در لندن خدمت کرد.

سمت او در انگلستان به این معنی بود که او فرصت حضور در جنگ شش روزه را از دست داد و شهرت و افتخار ناشی از شرکت در جنگ مزبور نصیب ژنرال‌های دیگر نیروهای دفاعی اسرائیل شد. او واقعاً فاقد جذابیت فردی بود و یک بوروکرات نظامی خشک به نظر می‌رسید. از نظر «اشکول» نقاط قوت «زمیر» را می‌شد در نقاط ضعفش پیدا کرد. بعد از دو دهه رؤسای جاسوسی مقتدر و مغرور، نخست‌وزیر اسرائیل می‌خواست کسی را که شخصیتی کاملاً متفاوت دارد به ریاست موساد منصوب کند. «زمیر» واجد این شرایط بود.

ادامه دارد

1- ZEVI ZAMIR
2- ZARZEVESKY
3- PALMAKH

کتاب «پس از شیوخ» چه می‌گوید؟

■ سید محمد هوشی السادات ■ بخش اول

*** مقدمه**

«انقلاب یاس» واژه‌ای است که با خودسوزی «محمد بوعزیزی» جرقه آن در تونس در دسامبر ۲۰۱۰ زده شد و شاید کمتر کسی فکر می‌کرد سونامی آن، نظام‌های سیاسی مصر و لیبی را در شمال آفریقا درنوردد و حتی دامنه آن به خاورمیانه و شیخ‌نشین‌های عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز کشیده شود که در نخستین مرحله زمینه فروپاشی نظام دیکتاتوری یمن را فراهم آورد. اکنون نوای آزادی‌خواهی و مردم‌سالاری در بحرین و عربستان سعودی با طنینی محکم‌تر و در شیخ‌نشین‌های دیگر نیز به طور آرام به گوش می‌رسد. این همان پیش‌بینی است که دکتر «کریستوفر دیویدسون» دانشیار دانشگاه «دورهام» انگلستان، در کتاب جدید خود با عنوان «پس از شیوخ» بیان می‌دارد این کتاب نتیجه فعالیت‌های علمی ـ پژوهشی وی در ۱۰ سال اخیر بوده و در پاییز ۲۰۱۲ منتشر شده است.

وی که در سال‌های گذشته در سمت استادیار در دانشگاه «بن زاید» شهر ابوظبی، پایتخت امارات عربی متحده مشغول به کار بوده است، پیش از این نیز بحران اقتصادی جهانی سال ۲۰۰۹ را پیش‌بینی کرده بود. رویکرد مبنای «دیویدسون» در این نوشتار، نگاهی جدید به نظریه مدرنیزاسیون بوده و متدولوژی توصیفی ـ اکتشافی ـ تحلیلی را برگزیده است. برهمین اساس، جدال نیروهای سنتی و مدرن در تحولات کنونی و آتی نظام‌های شیخ‌نشین حائز اهمیت هستند و البته نوگرایی و نوسازی، فرصت و نه تهدید به شمار می‌روند و سرکوب نیز در آن جایی ندارد.

*** پیشینه شیخ‌نشین‌ها**

حضور قدرت‌های غربی در منطقه خلیج فارس پیشتر به زمان حکومت صفوی‌ها در ایران باز می‌گردد که البته به علت اقتدار دولت مرکزی ایران، بیشتر جنبه تجاری داشت. اهمیت اقتصادی حوزه خلیج فارس، انگلیسی‌ها را واداشت تا با ناوگان نظامی خود وارد منطقه شوند و ابتدا سایر دولت‌های استعمارگر اروپایی همانند پرتغال و هلند را شکست دهند و بعد از تضعیف دولت‌های بزرگ منطقه، سلطه خود را بر این منطقه ثروتمند و غنی گسترش دهند. حضور قاجارها و تضعیف ایران به دنبال جنگ با روسیه در سال‌های دهه ۱۸۲۰، زمینه قدرت نمایی انگلستان را فراهم آورد تا به بهانه مبارزه با دزدان دریایی، سواحل جنوبی خلیج فارس را اشغال و با حکام محلی بحرین، قطر، دبی، شارجه، ابوظبی، مسقط، عمان و... قرارداد تحت‌الحمایگی امضاء کند و آنها را زیر سلطه خود درآورد. انگلستان، به عنوان نماد قدرت‌های غربی در منطقه خلیج فارس، در نیمه دوم قرن نوزدهم نیز بعد از تثبیت موقعیت خود در شیخ‌نشین‌ها، کوشش بیشتری در جهت تضعیف دولتین ایران و عثمانی به عمل آورد. استفاده از خلیج فارس در جهت کنترل هندوستان نیز از علل دیگری به شمار می‌رفت که زمینه نفوذ را در منطقه افزایش می‌داد که البته کشف و استخراج نفت در ایران در سال ۱۹۰۸ و سپس در کشورهای دیگر خلیج فارس، اهمیت آن را مضاعف کرد. وقوع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ـ۱۹۱۴) نیز که با حذف امپراتوری‌های عثمانی و روسیه همراه بود، به تقویت موقعیت انگلستان در منطقه انجامید و این کشور حتی توانست سلطه خود را بر عراق نیز گسترش دهد و پس از یک قرن، امپراتوری عثمانی موسوم به «مرد بیمار اروپا» را از این کشور بیرون کند. به دنبال تحولات پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج پایه‌های قدرت اروپایی‌ها و به طور خاص، انگلستان در منطقه رو به ضعف نهاد تا جایی که در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) نیروهای خود را از شرق کانال سوئز، از جمله خلیج فارس، خارج کرد و ایالات متحده جایگزین آن شد. این تحولات با استقلال شیخ‌نشین‌های عرب حاشیه خلیج فارس و جدایی بحرین از ایران همراه بود که تاکنون نیز سلاطین و شیوخ بر آنها حکمرانی می‌کنند.

کریستوفر دیویدسون در دو فصل نخست کتاب خود به بررسی شرایط دهه‌های اخیر رژیم‌های عربی حوزه خلیج فارس پرداخته و آن را به اوضاع کنونی پیوند می‌زند. وی معتقد است مشروعیت‌سازی سیستم‌های سیاسی در شیخ‌نشین‌های عربی بر سه بنیان منابع اقتصادی فراوان، جمعیت اندک و توزیع دولتی ثروت قرار دارند و در نخستین نگاه، به نظر می‌رسد که اوضاع در کشورهای عربی منطقه آرام و با ثبات است. اما واقعیت این است که پایه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی مذهبی شیوخ، پادشاهان و سلاطین این شش کشور تحت فشارند و فشار اصلی نیز به طور روز افزون از جانب شهروندان وارد می‌شود که می‌توان آنها را به دو بخش اصلی داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نمود. مشکلات داخلی فصول دوم و چهارم کتاب را به خود اختصاص می‌دهند که می‌توان آنها را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با زیر گروه‌های معین تقسیم کرد.

*** ۱) سیاسی**

۱.۱ـ ناکارآمدی ساختارهای سیاسی: تمامی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس همچنان دارای سلطان و شیخ هستند و هیچ کدام از آنها بر اساس سیستم دموکراسی اداره نمی‌شوند. شیوخ عرب حوزه خلیج فارس بر مبنای یک سازوکار سنتی قبیله‌ای اداره می‌شوند که این ساختار کهنه و مطلقه در شرایط فعلی پاسخگوی نیاز نسل امروز جوامع عربی نیست. علاوه بر این در برخی از این کشورها، تحزب همچنان ممنوع بوده و زنان از حق مشارکت در کارهای اجتماعی و سیاسی محروم هستند. این شیوه واپس گرایانه با روح دموکراسی متعارف در جهان معاصر از جمله دموکراسی اسلامی منافات دارد. بیشتر کشورهای عرب این منطقه تقریباً فاقد پارلمان‌های فعال و تأثیرگذار هستند و تنها کویت از یک پارلمان به‌طور نسبی برخوردار است. در عربستان سعودی همچنین برگزاری هرگونه انتخابات و فعالیت حزبی ممنوع است و اعضای شورای مشورتی، به عنوان پارلمان این کشور، توسط پادشاه انتخاب می‌شوند. برهمین اساس، ورود نهادهای سیاسی مدرن و نوگرا به تشکیلات سنتی و انتصابی کنونی امری محتمل به شمار می‌رود.

۲. ۱ـ فساد موجود در خاندان‌های حکومتی که از آنها با تعبیر دولت‌های نو پدرسالار (نئو پاتریارک) یاد می‌شود.

*** ۲) اقتصادی:**

۱.۲ـ نحوه توزیع ثروت: حاکمان شش کشور شورای همکاری، به واسطه بهره‌مندی از ثروت‌های هنگفت نفت و گاز، از امکانات غیرقابل مقایسه‌ای نسبت به جامعه برخوردارند، به طوری که این دولت‌ها را می‌توان ارباب جامعه‌شان قلمداد کرد. بنابراین، بیشتر شیخ‌نشین‌ها کشورهایی هستند که با جمعیت کم، ثروت زیادی در دست دارند. این کشورها با استفاده از همین پول نفت رضایت مردم خودشان را به صورت نسبی به دست می‌آورند.

۲.۲ـ نیروی کار: کارگران خارجی شاغل در شیخ‌نشین‌ها و بیکاری‌های داوطلبانه میان شهروندان عرب این کشورها چالشی مهم به شمار می‌روند، هر چند نیروهای کار حاضر در این کشورها از ثبات سیاسی در این شیخ‌نشین‌ها، البته در کوتاه مدت، حمایت می‌کنند تا موقعیت خود را از دست ندهند و بر همین اساس، حفظ وضع موجود به آنها کمک می‌کند تا درآمد بیشتری کسب کنند و به موطن خود برگردانند. در حال حاضر ۸ میلیون کارگر خارجی در عربستان سعودی حضور دارند که ۶۲ درصد جمعیت این کشور را در بر می‌گیرند. حضور کارگران خارجی در دیگر کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز چشمگیر است به طوری که ۹۰ درصد جمعیت امارات عربی متحده، ۸۰ درصد جمعیت قطر، ۷۰ درصد جمعیت کویت، ۵۰ درصد جمعیت بحرین و ۱۷ درصد جمعیت عمان را نیروهای کار بین‌المللی به خود اختصاص داده‌اند.

*** ۳) اجتماعی**

۱.۳ـ عدم رعایت حقوق اجتماعی زنان: به عنوان مثال در کشور عربستان، که بزرگترین کشور عضو شورای همکاری به شمار می‌رود، زنان از حق فعالیت‌های اجتماعی، حق طلاق و استفاده از اتومبیل شخصی محروم هستند.

۲.۳ـ تبعیض: در طول ۸۰ سالی که از عمر رژیم آل سعود می‌گذرد، سیاهپوستان، برده‌زادگان و مسلمانان غیر وهابی و به طور خاص شیعیان نمی‌توانند در مشاغل دولتی و نیروهای مسلح پست‌های کلیدی داشته باشند و در بحرین نیز اوضاع در قبال شیعیان به همین منوال است. (ص: ۲۳۰)

۳.۳ـ ظهور طبقه جدیدی از نخبگان: شکل‌گیری طبقه‌ای از نخبگان و جوانان تحصیل‌کرده که در عصر انفجار اطلاعات و اینترنت رشد کرده‌اند نیز ضمن افزایش انتظارات و مطالبات، زمینه پایبندی به اصول و سنت‌های قبیله‌ای را در مقایسه با نسل‌های پیشین کمرنگ کرده است.

۴.۳ـ فناوری اطلاعات: گسترش فضای سایبری از جمله فضای فیس‌بوک و تویتر که زمینه گردش آزاد اخبار و اطلاعات را فراهم آورده است، عامل دیگری برای افزایش فشارهای داخلی به شمار می‌رود.

نویسنده کتاب در فصول سوم و پنجم به بررسی مشکلات خارجی در کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌پردازد که می‌توان آنها را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با زیر گروه‌های معین تقسیم‌بندی کرد:

*** ۱) سیاسی**

۱.۱ـ وابستگی به قدرت‌های فرامنطقه‌ای: رابطه نظامی جدی با آمریکا به سبب خرید هنگفت جنگ‌افزار و وابستگی شیوخ به قدرت‌های غربی تا جایی است که غربی‌ها حتی پایگاه‌های نظامی خود را در منطقه با پتودلارهای عربی اداره می‌کنند که افکار عمومی عربی در داخل این کشورها عمدتاً با این روند مخالف بوده است. قطعاً اگر دموکراسی پارلمانی در کشورهای عرب حوزه جنوب خلیج فارس وجود می‌داشت، آمریکا و سایر کشورهای غربی نمی‌توانستند به سادگی پایگاه‌های نظامی در این کشورها ایجاد کنند. زمانی هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا صریحاً اعلام کرده بود که منافع استراتژیک آمریکا در وجود رژیم‌های دیکتاتوری در حوزه خلیج فارس خلاصه می‌شود و بر همین اساس، آمریکا و شماری از کشورهای غربی باوجود برخورداری خود از نظام‌های دموکراتیک، شیوخ را متحد استراتژیک خود خطاب می‌کنند.

۲.۱ـ اتخاذ سیاست‌های غیردوستانه در قبال ایران: در پیش گرفتن سیاست‌های خطرناک (ص: ۲۳۱) در قبال تهران و پیگیری پروژه «ایران‌هراسی» می‌تواند به عنوان عاملی در جهت مهار مخالفان داخلی و انحراف افکار عمومی اعراب از شکاف‌های اجتماعی ـ اقتصادی تلقی شود که به طور خاص این پروژه بر فعالیت‌های هسته‌ای تهران و نفوذ فزاینده منطقه‌ای آن تمرکز دارد. از سوی دیگر، این روند، تلاش اعضای شورای همکاری را به منظور هسته‌ای شدن (ص: ۱۷۳) به همراه داشته که با امضای توافقنامه‌های هسته‌ای ابوظبی با فرانسه از سال ۲۰۰۹ آغاز شده است.

این در حالی است که بسیاری از ایرانیان و شرکت‌های ایرانی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به طور خاص امارات عربی متحده، حضور مستقیم دارند و درصد بالایی از اعراب این منطقه نیز به ویژه در بحرین ریشه ایرانی دارند (ص: ۱۷۳ـ۱۷۲).

۳.۱ـ مناسبات با اسرائیل: تلاش برای ایجاد رابطه با اسرائیل که افکار عمومی عربی ـ اسلامی آن را نمی‌پسندد (ص: ۲۳۱) به عنوان فاکتور سوم سیاسی در بعد فشارهای خارجی در نظر گرفته می‌شود.

در این مسیر، بحرین و امارات در بهبود مناسبات با تل آویو از دیگر شیخ نشین‌ها گوی سبقت را ربوده‌اند و عربستان سعودی و قطر از این روند حمایت می‌کنند و تماس‌های مخفیانه‌ای را نیز برقرار کرده‌اند.

ادامه دارد

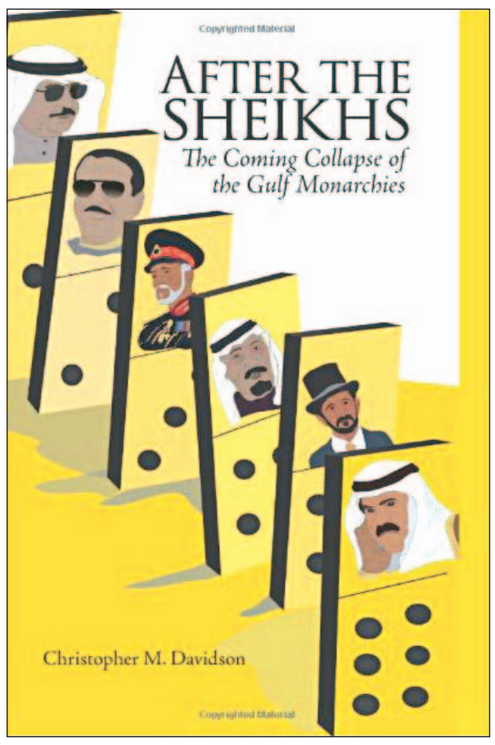

*** در نگاه نخست، اوضاع در کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس آرام و با ثبات به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که فشارهای داخلی و خارجی بر نظام‌های حاکم تشدید شده است**

آمریکا، فوق سری

■ نوشته: دانا پریست - ویلیام.ام.آرکین ■ ترجمه: هرمز همایون‌پور | ۱۱۰

بسیاری از آنان، که غالباً کارکنان پیشین ارتش یا سازمان‌های اطلاعاتی هستند، قراردادهای موقت دارند، اما خدمت دولت را ترک کرده‌اند تا به کار کمتر درآمد بیشتری داشته باشند، و در همان حال از حقوق بازنشستگی فدرال نیز استفاده کنند.

پانتا زمانی که ریاست سیا را داشت، نسبت به وابستگی سازمانش به نیروی کاری که احساس می‌کرد کنترل کامل بر آنها ندارد نگران بود. او می‌گفت: «اکنون مدت‌هاست که برای انجام کارهایی که قاعدتاً باید توسط کارمندان سیا انجام شود به پیمانکارها وابسته شده‌ایم.» ـ در عین حال اضافه می‌کرد که «جایگزین کردن آنها نمی‌تواند ظرف یک شب اتفاق بیفتد. وقتی برای این مدت طولانی به پیمانکارها وابسته بوده‌اید، باید در طول زمان و به تدریج تخصص‌های لازم را ایجاد کنید.» اما پانتا گرفتار شده و در دام افتاده بود. افرادی که سازمان او سال‌ها رویشان سرمایه‌گذاری کرده بود، به خاطر پول بیشتر، سازمان را ترک کرده بودند. بنابراین، وقتی سیا فاقد تخصص‌های لازم بود، او چاره‌ای نداشت جز آن‌که آنها یا امثال آنها را که دارای تجربه نظامی باشند استخدام کند.

در سیا، این پیمانکاران خصوصی بودند که در عراق جاسوسانی استخدام کرده بودند، در افغانستان برای کسب اطلاعات رشوه می‌دادند و وقتی مدیران سیا از پایتخت‌های خارجی دیدار داشتند از آنان محافظت می‌کردند. پیمانکاران به ربودن یکی از افراطیون مظنون از خیابان‌های میلان کمک کردند، بازداشت شدگان را در زندان‌های مخفی خارج از کشور بازجویی می‌کردند و مراقب پناهندگان در حومه واشنگتن بودند. در مقر سیا در لانگلی، آنها بودند که شبکه‌های تروریستی را تحلیل می‌کردند و در تأسیسات اصلی آموزشی سازمان در ویرجینیا، با برنامه‌های تربیت نسل جدید جاسوسان آمریکایی همکاری داشتند. دامنه حضور پیمانکاران به روشنی در یادمان‌ها نمودار است. در ژوئن ۲۰۱۰، سنگتراشی از شهرک ماناسا[463] در ایالت ویرجینیا، در دیوار مرمر مرکز سیا چهره‌ای کامل از یکی از ستاره‌های سازمان تراشید که یکی از ۲۲ کار او به یاد مأموران بود که در جنگی همه‌گیر که پس از حملات ۲۰۰۱ علیه تروریست‌ها به راه افتاد کشته شده بودند. منظور از این یادمان، بزرگداشت شجاعت آنانی بود که در راه انجام وظیفه کشته شده بودند، اما در عین حال واقعیتی را نیز پنهان می‌کرد. از ۲۲ مأموری که پس از ۱۱ سپتامبر کشته شده بودند، فقط هشت نفر یعنی بیش از یک سوم، از کارکنان سیا بودند و مابقی اساساً مأمور این سازمان نبودند. آنها پیمانکار خصوصی بودند.

در همه جای دولت، از کارکنان قراردادی به هر صورت ممکن استفاده می‌شود. آنها جنگجویان دشمن را می‌کشند، علیه دولت‌های خارجی جاسوسی می‌کنند و در شبکه‌های تروریستی استراق سمع کرده و پنهانی به صحبت‌ها گوش می‌دهند. آنها به طراحی برنامه‌های جنگی کمک می‌کنند. درباره دستجات و جناح‌های محلی در مناطق جنگی اطلاعات گرد می‌آورند و در سرّی‌ترین سازمان‌های کشور، مورخ، معمار و استخدام‌کننده‌اند. کارکنان مراکز مراقبتی در ناحیه واشنگتن از آنها هستند و در شمار مورد اعتمادترین مشاوران ژنرال‌های چهار ستاره‌ای محسوب می‌شوند که فرماندهی جنگ‌های آمریکا را برعهده دارند.

بدین ترتیب، آنها همیشه مورد نیازند. وقتی آرکین یکی از محاسبات گهگاهی‌اش را در مورد مشاغل سری انجام داد، دریافت که فقط در واشنگتن ۱۹۵۱ پُست بدون شاغل وجود دارد. تعداد این قبیل پست‌ها در سراسر کشور به ۱۹ هزار و ۷۵۹ شغل می‌رسید: «تحلیلگر هدف»، رستون. «کارشناس زیرساخت‌های حیاتی»، واشنگتن. «عضو گروه مشترک اکتشافی»، آرلینگتن. و غیره و غیره. نیاز چنان شدید است که بیش از ۳۰۰ شرکت که به آنها «مغازه‌های اندام»[464] لقب داده‌اند، متخصص یافتن نامزدهای اشتغال این پست‌های سازمانی هستند. به گفتهٔ دست اندرکاران، دستمزد این شرکت‌ها برای پیدا کردن یک شخص واجدشرایط معمولاً به ۵۰ هزار دلار بالغ می‌شود. فهرست شغل‌هایی که آرکین همه روزه پیگیری می‌کرد، درعین حال نشان می‌داد چه مسئولیت‌های متنوعی در حوزه امنیت ملی به بخش خصوصی سپرده می‌شود.

ادامه دارد

463. Manassa
464. " body shops"

آگهی تغییرات شرکت سپهر کوثر ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۲۲۲۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۷۵۹۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ مؤسسه حسابرسی آزمون‌پرداز به عنوان بازرس اصلی، آقای عباس وفادار به شماره ملی ۴۱۳۲۱۴۷۶۸۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
آقای سیدمحمد احمدیان به شماره ملی ۲۱۴۱۸۵۱۹۶۳ و آقای امیر رنجبر به شماره ملی ۰۰۱۲۹۱۶۹۲۷ و آقای علی تبریزی نوری به شماره ملی ۰۹۴۰۷۱۵۹۰۲ تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۱
۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۷۱۶۳

آگهی تغییرات شرکت سینا پولاد کاوه سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۶۷۶۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۶۵۸۰۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
ـ مؤسسه حسابرسی آبان ارقام پارس به عنوان بازرس اصلی، آقای علی بخشی به شماره ملی ۴۲۶۹۵۲۰۵۳۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۳۴۵۲

آگهی تغییرات شرکت گروه توسعه ساختمان تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۸۴۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۳۸۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۰/۳۰ به تصویب رسید.
۲ـ مؤسسه حسابرسی مفید راهبر به عنوان بازرس اصلی برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۳ـ روزنامه کثیرالانتشار "اطلاعات" جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۴ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۳۱ به قرار ذیل انتخاب گردیدند:
شرکت سرمایه‌گذاری مدبر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۷۴۴۱ با نمایندگی آقای حسن کاری و شرکت گروه توسعه اقتصادی تدبیر سهامی‌خاص به شماره ثبت ۳۴۱۱۸۹ با نمایندگی آقای منوچهر خواجه دلوئی و شرکت گسترش الکترونیک مبین ایران سهامی‌خاص با نمایندگی آقای سیدمصطفی میری و شرکت گروه توسعه انرژی تدبیر سهامی خاص با نمایندگی آقای خسرو مختاری و شرکت سرمایه‌گذاری تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۷۸۸۸ با نمایندگی آقای محمد سعیدی کیا تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۲/۳۱
در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۸ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۰۷۶۳

آگهی تغییرات شرکت گیتی تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۹۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۶۷۶۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی فاطر به عنوان بازرس اصلی، آقای محمدرضا نادریان به شماره ملی ۳۷۸۱۸۴۰۸۲۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۹ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۱۳۷۸

آگهی تغییرات شرکت بار بام بنا سهامی خاص به شماره ثبت ۳۱۹۹۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۹۴۵۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ آقای ابراهیم نوبهار به شماره ملی ۰۰۳۸۷۱۰۴۶۳ به عنوان بازرس اصلی، آقای علی‌اصغر دربندی به شماره ملی ۰۰۶۶۳۲۵۳۴۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ اعضاء هیئت مدیره تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۲ به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای علی‌اکبر کریمی به شماره ملی ۰۰۷۵۴۰۶۴۲۱ و آقای سیدحامد ابراهیمی به شماره ملی ۰۰۶۸۴۵۴۷۷۵ و آقای امیربهنیا به شماره ملی ۰۰۶۳۲۴۸۳۱۱ تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۲
۳ـ اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای علی‌اکبر کریمی به شماره ملی ۰۰۷۵۴۰۶۴۲۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و آقای سیدحامد ابراهیمی به شماره ملی ۰۰۶۸۴۵۴۷۷۵ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و آقای امیر بهنیا به شماره ملی ۰۰۶۳۲۴۸۳۱۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و آقای امیر بهنیا به شماره ملی ۰۰۶۳۲۴۸۳۱۱ به سمت مدیرعامل. ۴ـ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضای مدیرعامل و نائب رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت مجتمعاً دارای اعتبار می‌باشد و نامه‌های عادی و اداری با امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر است. در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۹ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۵۵۱۰

آگهی تغییرات شرکت استحکام صنعت آرتین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۱۶۰۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۸۳۸۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ آقای اکبر محمدی به شماره ملی ۰۰۵۹۰۰۵۱۱۴ به عنوان بازرس اصلی، خانم مهسا گلمکانی به شماره ملی ۰۰۱۲۵۷۰۱۰۹ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۲ـ روزنامه کثیرالانتشار "اطلاعات" جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳ـ ترازنامه و حساب‌های سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. در تاریخ ۱۳۹۱/۰۵/۰۹ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت و مورد تأیید و امضاء قرار گرفت.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری واحد ثبتی تهران
کد: ۱۷۰۲۶۱۳

آگهی تصمیمات شرکت شیمی فرا ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۷۶۸۹۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۱۷۶۷۰

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۹۱/۴/۲۶ شرکت مزبور که در تاریخ ۹۱/۴/۲۷ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ بتصویب رسید. مریم ملکوتی به کدملی ۰۴۵۰۹۸۰۷۹۰ بسمت بازرس اصلی و محمد کاکاوند قطعه نوئی به کدملی ۰۰۴۳۵۰۶۰۸۹ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. اعضاء هیئت مدیره به مدت ۲ سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: کیومرث علی‌پور ۳۳۷۹۷۸۴۷۵۳ پژمان علی‌پور به کدملی ۳۳۷۹۸۵۶۲۲۳ مینا علی‌پور به کدملی ۰۰۷۸۴۵۶۰۷۱ به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۹۱/۴/۲۶ کیومرث علی‌پور به سمت رئیس هیئت مدیره و مینا علی پور به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و پژمان علی‌پور به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء دو نفر از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۳۲/۱۱۸۱۱

آگهی تصمیمات شرکت صنایع استیل البرز قزوین سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۱۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۶۱۵۲

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سال